

Comparative Study of the Legal Ruling on the Use of Alcohol in Medical and Pharmaceutical Matters in Islamic Fiqh and Jewish Halakha

Zahra Abbasi

PhD student in Theology, Jurisprudence and Foundations of Islamic Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran, zahraabbasi221361@gmail.com

Mohammad-Hossein Irandoost

Assistant Professor, Faculty of Humanities, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran, (Corresponding Author): mohirandoost@gmail.com

Mohammad-Ali Heidari

Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Foundations of Islamic Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran, mal.heidari@yahoo.com

Abstract:

Alcohol, as a chemical compound with dual applications, has consistently been a focal point of religious and jurisprudential discussions. On one hand, its vital role in modern medicine as a solvent, disinfectant, and component of drugs is undeniable. On the other hand, its intoxicating property presents profound ethical and religious challenges for followers of Abrahamic religions. This article, employing a descriptive-analytical and comparative approach, examines the rulings of Islamic jurisprudence (Imamiyyah and Sunni) and Jewish Halakha regarding the medical applications of alcohol. In Islamic jurisprudence, the final ruling is deduced based on concepts such as "khamr" (intoxicant), "iskaar" (intoxication), and "najasah" (impurity), relying on principles like "istihalah" (transformation) and "idtirar" (necessity). In contrast, Jewish Halakha, with a strategy of "sanctification and limitation," while condemning "drunkenness," adopts a pragmatic approach in medical cases, emphasizing the principle of "pikuach nefesh" (saving a life). The findings indicate that both laws, despite differences in theoretical foundations—prohibition in Islam versus ritual management in Judaism—ultimately arrive at similar conclusions regarding the permissibility of using alcohol in necessary medical conditions, by prioritizing the preservation of life. By clarifying these similarities and differences, this research provides a clear framework for healthcare professionals and religious patients.

Keywords: Alcohol, Islamic Fiqh, Jewish Halakha, medical issues, medicine, khamr, necessity.

۱۰۸
پژوهشنامه ادیان

سال ۲۰، شماره ۳۸، تابستان ۱۴۰۴

بررسی تطبیقی حکم کاربرد الکل در مسائل پزشکی و دارویی در فقه اسلامی و هلاخای یهودی^۱

زهرا عباسی^۲ محمدحسین ایران دوست^۳ محمدعلی حیدری^۴

چکیده

الکل به عنوان یک ترکیب شیمیایی با کاربردهای دوگانه، همواره در کانون بحث‌های دینی و فقهی قرار داشته است. از یک سو، نقش حیاتی آن در پزشکی مدرن به عنوان حلال، ضدعفونی‌کننده و جزء ترکیبی داروها انکارناپذیر است و از سوی دیگر، خاصیت سکرآوری آن، چالش‌های عمیق اخلاقی و شرعی را برای پیروان ادیان ابراهیمی به همراه داشته است. این مقاله با رویکردی توصیفی - تحلیلی و تطبیقی، احکام فقه اسلامی (امامیه و اهل سنت) و هلاخای یهودی را در قبال کاربردهای پزشکی الکل بررسی می‌کند. در فقه اسلامی، حکم نهایی بر اساس مفاهیمی چون «خمر»، «اسکار» و «نجاست» و با استناد به قواعدی نظیر «استحاله» و «اضطرار» استنباط می‌شود. در مقابل، هلاخای یهودی با راهبرد «تقدیس و تحدید»، ضمن تقبیح «مستی»، با تکیه بر اصل «پیکواخ نقش» (حفظ جان)، رویکردی عمل‌گرایانه در موارد پزشکی اتخاذ می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد هر دو شریعت، علی‌رغم تفاوت در مبانی نظری - تحریم در اسلام در برابر مدیریت آیینی در یهودیت - در نهایت با اولویت دادن به حفظ حیات، به نتایج مشابهی در جواز استفاده از الکل در شرایط ضرورت درمانی می‌رسند. این پژوهش با تبیین این اشتراکات و تمایزات، چارچوبی روشن برای متخصصان سلامت و بیماران متدین ارائه می‌دهد.

کلیدواژه: الکل، فقه اسلامی، هلاخای یهودی، مسائل پزشکی، دارو، خمر، اضطرار

مقدمه

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۲۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۰۶

۳. دانشجوی دکترا رشته الهیات گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

۴. استادیار دانشکده علوم انسانی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول): mohirandoost@gmail.com

۵. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

الکل، به عنوان یکی از فراگیرترین و در عین حال بحث‌برانگیزترین ترکیبات شیمیایی در تاریخ بشر، جایگاهی دوگانه در تمدن انسانی دارد. از یک سو، به دلیل خواص منحصر به فرد خود به عنوان حلال، ضدعفونی‌کننده و ماده پایه در صنایع مختلف، به ویژه در حوزه‌های پزشکی و داروسازی، نقشی حیاتی و انکارناپذیر ایفا می‌کند (صبوراردوبادی، ۱۳۵۱، ج ۱، ص ۲۴). از سوی دیگر، به عنوان یک ماده روان‌گردان و سکرآور، منشأ چالش‌های عمیق اخلاقی، اجتماعی و دینی بوده است (فرومدی، ۱۴۰۰، ص ۱۱). این دوگانگی، ادیان ابراهیمی، به ویژه اسلام و یهودیت، را بر آن داشته است تا با تکیه بر مبانی وحیانی و اصول اجتهادی خود، به تبیین چارچوبی دقیق برای مواجهه با این پدیده پردازند. افزون بر این، یعقوب‌بیتس با بررسی تاریخی تطور احکام آیینی درباره شراب، نشان می‌دهد که کاربرد درمانی آن در صورت تهدید حیات، از دایره حرمت آیینی استثناء می‌شود (Jakobovits, 1975: 57-89, 190).

در دوران معاصر، با پیشرفت علم شیمی و گسترش روزافزون کاربرد الکل در محصولات که مستقیماً با سلامت انسان در ارتباط هستند -از جمله داروها، سرم‌ها، دهان‌شویه‌ها و ضدعفونی‌کننده‌ها- نیاز به فهم دقیق احکام فقهی مرتبط با آن بیش از پیش احساس می‌شود. این مسئله برای پیروان ادیان اسلام و یهودیت که زندگی روزمره خود را بر اساس احکام شرعی تنظیم می‌کنند، به یک دغدغه جدی تبدیل شده است. آیا استفاده از دارویی که حاوی الکل است، مجاز است؟ حکم تماس با الکل‌های طبی و صنعتی چیست؟ مرز میان ضرورت درمانی و حرمت شرعی در کجا قرار دارد؟ (آذربادگان، ۱۳۸۱، صص ۱۸۳-۲۶۱). پژوهش حاضر با عنوان «بررسی تطبیقی حکم الکل در مسائل پزشکی و دارویی در فقه اسلامی و هلاخای یهودی» به دنبال پاسخگویی به این پرسش‌های بنیادین است. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و بررسی رساله دکتری «تحلیل موضوعی و حکمی الکل در اسلام و یهودیت»، به واکاوی عمیق مبانی نظری و احکام عملی این دو دین در خصوص الکل می‌پردازد. در فقه اسلامی، بحث بر محور مفاهیمی چون «خمر»، «اسکار» (مستی‌آوری) و «نجاست» شکل می‌گیرد و فقها با تفکیک میان انواع الکل (صنعتی، طبی و تخمیری) و با استناد به قواعدی نظیر «استحاله» و «اضطرار»، به استنباط حکم می‌پردازند (وحدتی‌شیری، ۱۳۷۶، ص ۱۳۳). در مقابل، هلاخای یهودی، ضمن تقدیس شراب در آیین‌های عبادی، بر حرمت شدید «مستی» تأکید کرده و محدودیت‌های مشخصی را برای مصرف آن، به ویژه در شرایط خاص عبادی، وضع نموده است (تورات، لاویان، ۱۰: ۹).

پیشینه تحقیق

موضوع الکل و احکام فقهی مرتبط با آن، به‌ویژه در دهه‌های اخیر، توجه بسیاری از پژوهشگران را به خود جلب کرده است. بررسی آثار موجود نشان می‌دهد که بیشتر پژوهش‌ها بر ابعاد حکمی و فقهی الکل در دین اسلام متمرکز بوده‌اند و جنبه‌های شناختی، اجتماعی و به‌ویژه تطبیقی آن با سایر ادیان کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در میان مقالات منتشر شده، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

غلامرضا نورمحمدی و عباس عمادی در دو مقاله مجزا به این موضوع پرداخته‌اند. در مقاله نخست با عنوان «واکاوی ماهیت فقهی الکل و فرآورده‌های الکلی»، به تعریف مفاهیم کلیدی مانند خمر و مسکر و نسبت آن‌ها با الکل پرداخته‌اند. در مقاله دوم با عنوان «بررسی فقهی مقدار مجاز استفاده از الکل در فرآورده‌های خوراکی»، به یک مسئله نوپدید پاسخ داده و با رویکردی علمی-فقهی، حداقل میزان الکل لازم برای ایجاد مستی را بر اساس غلظت الکل در خون (BAC) محاسبه کرده‌اند تا مقدار مجاز آن در محصولات خوراکی را مشخص نمایند.

حسینعلی آذربادگان در مقاله «بررسی علمی و فقهی الکل و فرآورده‌های آن»، ضمن تأکید بر اینکه الکل در متون دینی به صورت مستقیم ذکر نشده، استدلال می‌کند که فقها به دلیل خاصیت سکرآوری، حکم به نجاست آن داده‌اند. او الکل را «جوهر خمر» و «روح شراب» می‌داند و به این پرسش پاسخ می‌دهد که چرا داروهای حاوی الکل، به دلیل غلبه سایر مواد و داشتن اثر درمانی به جای اثر مست‌کنندگی، حکم نوشیدنی‌های الکلی را ندارند.

محمود رفیعی در پژوهش «موضوع‌شناسی انواع الکل و طهارت آن»، بر اهمیت شناخت دقیق موضوع (موضوع‌شناسی) برای استنباط حکم صحیح تأکید می‌کند. وی با نقد دیدگاه نجاست همه مسکرات و با تفکیک علمی انواع الکل، در نهایت به طهارت آن (به‌جز الکل طبی که آن را مسکر و سمی می‌داند) معتقد است.

بهمن پوری و عبدالله نظری در «تحلیل فقهی پزشکی علل حرمت شرب خمر»، به دنبال اثبات ارتباط میان احکام شرعی و حکمت‌های پزشکی هستند. آن‌ها با بررسی آثار زیان‌بار جسمی و روحی الکل، تأیید علم پزشکی بر حکمت حرمت شرب خمر در اسلام را نوعی معجزه علمی قرآن و روایات می‌دانند.

از منظری متفاوت، علی اکبر فرومدی در مقاله «بررسی شیوع مصرف الکل در ایران از منظر جامعه‌شناسی جنایی»، به ابعاد اجتماعی و بهداشتی سوء مصرف الکل پرداخته و آن را یکی از عوامل اصلی مرگ‌ومیر قابل پیشگیری در جهان معرفی می‌کند که ضرورت تدوین راهنماهای بالینی مبتنی بر شرایط فرهنگی را ایجاب می‌نماید.

با وجود پژوهش‌های ارزشمند فوق، مقاله حاضر دارای تمایزات بنیادینی است که شکاف‌های موجود در تحقیقات پیشین را پر می‌کند:

نخستین و مهم‌ترین وجه تمایز این مقاله، رویکرد تطبیقی آن میان اسلام و یهودیت است. همان‌طور که در پیشینه ذکر شد، تقریباً تمام تحقیقات پیشین منحصرأ بر تحلیل حکم الکل در فقه اسلامی (اعم از امامیه یا مذاهب اهل سنت) متمرکز بوده‌اند و هیچ منبعی به صورت مشخص به بررسی و مقایسه این موضوع در دین یهود نپرداخته است. این پژوهش با تحلیل همزمان مبانی، احکام و رویکردهای هلاخای یهودی، یک چارچوب مقایسه‌ای جامع ارائه می‌دهد که در نوع خود بی‌سابقه است. همان‌گونه که یعقوب‌بویس تأکید می‌کند، در اخلاق پزشکی یهود پیوند میان شریعت و حفظ جان، محور تصمیم‌گیری‌های دینی در حوزه درمان است (Jakobovits, 1975: 103, 253).

دومین تمایز، تحلیل همزمان «موضوعی» و «حکمی» در هر دو دین است. این مقاله صرفاً به استنباط حکم (حرمت، نجاست، طهارت) نمی‌پردازد، بلکه به تحلیل دقیق موضوع (ماهیت الکل، جایگاه آیینی شراب در یهودیت، تفکیک انواع الکل) نیز توجه ویژه‌ای دارد. این رویکرد دوگانه به درک عمیق‌تری از فلسفه و حکمت احکام در هر دو دین منجر می‌شود.

در نهایت، این مقاله با کنار هم قرار دادن راهبردهای کاملاً متفاوت دو دین - «تحریم مطلق» در اسلام و «تقدیس و تحدید» در یهودیت - و تحلیل نقاط اشتراک و افتراق آن‌ها به‌ویژه در مسائل پزشکی و دارویی، به یک نتیجه‌گیری تطبیقی دست می‌یابد که می‌تواند زمینه‌ساز گفتگوهای بین‌الادیانی و ارائه راهکارهای کاربردی برای جوامع متدین در دنیای معاصر باشد.

این مقاله در پنج بخش اصلی سازماندهی شده است. بخش نخست به تحلیل ماهیت «خمر» و «سکر» در فقه اسلامی و مبانی تحریم آن می‌پردازد. بخش دوم، حکم فقهی کاربردهای پزشکی و دارویی الکل را در مذاهب اسلامی مورد کنکاش قرار می‌دهد. بخش سوم، به جایگاه دوگانه شراب و حکم مستی در هلاخای یهودی اختصاص دارد. بخش چهارم، با نگاهی به اصول هلاخا، به بررسی حکم الکل در مسائل پزشکی در دین یهود می‌پردازد. در نهایت، بخش پنجم به تحلیل تطبیقی و جمع‌بندی

یافته‌ها اختصاص یافته و اشتراکات و تمایزات کلیدی میان این دو نظام حقوقی - دینی را برجسته می‌سازد. هدف نهایی این پژوهش، ارائه یک چارچوب تحلیلی جامع است که نه تنها به فهم عمیق‌تر مسئله برای متدینان کمک کند، بلکه راهگشای گفت‌وگوهای بین‌الادیانی و راهنمایی برای متخصصان حوزه سلامت باشد.

۱. الکل در فقه اسلامی؛ تحلیل موضوعی خمر، سکر و نجاست

برای فهم دقیق حکم الکل در کاربردهای پزشکی، ابتدا باید به تحلیل بنیادین مفاهیمی پرداخت که اساس حرمت را در فقه اسلامی تشکیل می‌دهند. در متون دینی اولیه، واژه‌ای به نام «الکل» وجود نداشته و فقها حکم این ماده نوپدید را از طریق قیاس و تطبیق با مفاهیم سنتی «خمر» و «مسکر» استنباط کرده‌اند. بنابراین، تحلیل موضوعی این دو واژه و بررسی حکم نجاست، پیش‌نیاز هرگونه بحثی در این زمینه است.

۱-۱. تحلیل موضوعی «خمر»: از معنای لغوی تا گستره فقهی

واژه «خمر» از ریشه «خ-م-ر» به معنای «پوشاندن» (تغطیه) گرفته شده است (ابن فارس، ۱۳۹۹، ج ۲، ص ۲۱۵). به روستری زنان «خمار» می‌گویند؛ زیرا سر را می‌پوشاند. بر همین اساس، به شراب مست‌کننده «خمر» گفته‌اند، زیرا عقل را می‌پوشاند (یخمر العقول) و مانع از عملکرد صحیح آن می‌شود (ابن منظور، بی‌تا، ج ۴، ص ۲۵۸). این تعریف لغوی، خود منشأ یکی از مهم‌ترین مباحث فقهی شده است: آیا «خمر» صرفاً به شراب حاصل از انگور اطلاق می‌شود یا هر ماده مست‌کننده‌ای را در بر می‌گیرد؟ در این زمینه دو دیدگاه اصلی در میان لغویان و فقها وجود دارد.

دیدگاه نخست، با نگاهی محدود، خمر را منحصرأ به شرابی می‌داند که از انگور یا در برخی تفاسیر، از خرما، کشمش، جو و عسل به دست می‌آید (ابن سیده، ۱۴۲۱، ج ۵، ص ۱۸۵). این دیدگاه که به طور خاص در مذهب حنفی برجسته است، واژه قرآنی «خمر» را به مصداق لغوی و اصلی آن یعنی شراب انگور محدود می‌کند. مستند این دیدگاه، روایاتی است که خمر را به این موارد خاص محدود کرده‌اند، مانند حدیث «الخمر من هاتین الشجرتين النخلة والعنبه» (خمر از این دو درخت، یعنی خرما و انگور، به دست می‌آید) (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۷، ص ۲۲۱).

دیدگاه دوم که دیدگاه غالب و مورد اتفاق جمهور فقهای امامیه و اهل سنت است، «خمر» را اسمی

برای هر ماده مست کننده (اسم لکل مسکر) می داند (قیومی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۱۸۲). این دیدگاه با استناد به روایات معتبر نبوی مانند «کل مُسْکِرٍ خَمْرٌ، وکل مُسْکِرٍ حرام» (هر مست کننده‌ای خمر است و هر خمری حرام است) (محدث نوری، ج ۱۷، ص ۶۱)، ملاک و موضوع اصلی حکم حرمت را نه منشأ ماده، بلکه کارکرد و اثر آن، یعنی «اسکار» (مستی‌آوری) معرفی می کند. این تفسیر گسترده، راه را برای تحریم تمامی انواع الکلهای و مواد روان گردان جدید که خاصیت سکرآوری دارند، هموار می سازد و با روح شریعت که حفظ عقل است، سازگاری بیشتری دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۹۴، ج ۲، ص ۱۱۸).

۱-۲. تحریم خمر: از تدریج تا قطعیت

تحریم خمر در اسلام فرآیندی تدریجی و حکیمانه بود که در چهار مرحله و با در نظر گرفتن شرایط اجتماعی و فرهنگی جامعه آن روز صورت گرفت. علامه طباطبایی این سیر را به روشنی تبیین کرده است (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۲، صص ۲۹۰-۲۹۱).

مرحله اول (اشاره ضمنی): در ابتدا، قرآن کریم در مکه با اشاره‌ای لطیف، «سَکَر» (ماده مست کننده) را در مقابل «رزق حسن» (روزی نیکو) قرار داد (نحل: ۶۷) و ذهن‌ها را برای پذیرش حرمت آماده ساخت.

مرحله دوم (بیان ضرر): در مدینه، در پاسخ به پرسش مسلمانان، قرآن ضمن تأیید وجود منافی اندک در خمر و قمار، گناه و ضرر آن دو را بسیار بزرگ تر معرفی کرد: «قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا» (بقره: ۲۱۹).

مرحله سوم (محدودیت زمانی): در گام بعدی، حکم محدود کننده‌ای نازل شد که مسلمانان را از نماز خواندن در حالت مستی منع می کرد: «لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى» (نساء: ۴۳). این حکم عملاً مصرف خمر را در بخش‌های زیادی از شبانه روز محدود می کرد.

مرحله چهارم (تحریم قطعی): سرانجام، آیه ۹۰ سوره مائده با قطعیت تمام، حکم نهایی را صادر کرد و خمر را «رجس» (پلیدی) و عملی شیطانی خواند و دستور به اجتناب کامل از آن داد: «إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ... رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (مائده: ۹۰). این آیه، به همراه روایات متعددی که خمر را «ام الفواحش» (مادر پلیدی‌ها) و «مفتاح الشر» (کلید بدی‌ها) معرفی می کنند (الشعیری، بی تا، ج ۱، ص ۱۵۱)، اساسنامه قطعی حرمت مصرف هر نوع ماده مست کننده در

شریعت اسلام است.

۳-۱. حکم نجاست: کانون اصلی اختلاف

درحالی که بر حرمت نوشیدن خمر اجماع کامل وجود دارد، مسئله «نجاست عینی» آن یکی از پیچیده ترین و اختلافی ترین مباحث فقهی است که مستقیماً بر حکم کاربردهای پزشکی و صنعتی الکل تأثیر می گذارد.

الف: ادله قائلین به نجاست

جمهور فقهای امامیه و اهل سنت (به ویژه مذاهب شافعی، مالکی و حنبلی)، با استناد به ادله زیر، قائل به نجاست خمر و هر مایع مست کننده ای هستند:

قرآن کریم: دلیل اصلی، واژه «رجس» در آیه ۹۰ سوره مائده است. قائلین به نجاست معتقدند «رجس» در معنای حقیقی خود به پلیدی و نجاست مادی و ظاهری دلالت دارد (محقق حلّی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۲۳). دستور «فَاجْتَنِبُوهُ» (از آن دوری کنید) نیز بر لزوم پرهیز کامل، چه از نوشیدن و چه از تماس، تأکید دارد.

روایات: روایات متعددی به صراحت بر نجاست خمر و لزوم شستن لباس یا ظرفی که با آن تماس داشته، دلالت می کنند. برای مثال، در موثقه عمار از امام صادق (ع) نقل شده است: «لَا تُصَلِّ فِي ثَوْبٍ أَصَابَهُ خَمْرٌ أَوْ مُسْكِرٌ حَتَّى تَغْسِلَ» (در لباسی که خمر یا مسکر به آن رسیده نماز نخوان، مگر اینکه آن را بشویی) (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۷۸).

اجماع: بسیاری از فقهای بزرگ مانند سید مرتضی و شیخ طوسی ادعای اجماع بر نجاست خمر کرده اند (شریف مرتضی، ۱۴۱۷، ص ۹۵؛ طوسی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۳۶).

ب: ادله قائلین به طهارت

در مقابل، گروهی از فقها، از جمله برخی متقدمین شیعه مانند ابن ابی عقیل و ابن بابویه (صدوقین) (حلّی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۴۶۹؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۷۴) و همچنین فقهای مذهب حنفی، با نقد ادله فوق، حکم به طهارت (پاکی) خمر داده اند.

نقد دلالت آیه: این گروه معتقدند واژه «رجس» در آیه، به پلیدی معنوی و باطنی اشاره دارد، نه نجاست ظاهری. قرینه این تفسیر آن است که «رجس» در این آیه به «عمل الشیطان» نسبت داده شده

و شامل قمار، بت‌ها (انصاب) و ازالام نیز می‌شود که نجاست عینی ندارند (طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۷، ص ۱۶۶).

وجود روایات معارض: روایات متعددی وجود دارد که در ظاهر بر طهارت خمر دلالت می‌کنند. برای نمونه، در روایتی از امام صادق (ع) در پاسخ به سؤال از نماز خواندن در لباسی که به خمر آلوده شده، آمده است: «لَا بَأْسَ إِنْ الثَّوْبَ لَا يُسْكِرُ» (اشکالی ندارد، زیرا لباس مست نمی‌کند) (حرّعاملی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۱۰۵۷).

نقد اجماع: اجماع ادعا شده نیز مورد نقد قرار گرفته است، زیرا با وجود مخالفان برجسته‌ای در میان قدما، این اجماع از نوع اجماع مدرکی است که به همان ادله قرآنی و روایی بازمی‌گردد و حجّت مستقلى ندارد (محقق حلی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۴۶۹).

این اختلاف نظر بنیادین در مورد نجاست، سنگ بنای تفاوت فتاوا در مورد الککل طبی و صنعتی است. فقیهی که خمر را نجس می‌داند، باید برای تجویز پاکی الککل، به ادله‌ای چون «استحاله» تمسک جوید، در حالی که فقیهی که خمر را ذاتاً پاک می‌داند، تنها با چالش حرمت شرب مواجه است و استفاده‌های غیرشربی را به راحتی مجاز می‌شمارد.

۲. حکم فقهی الککل در کاربردهای پزشکی و دارویی در اسلام

با روشن شدن مبانی نظری در بخش قبل، اکنون می‌توان به مسئله اصلی، یعنی حکم الککل در کاربردهای پزشکی و دارویی، پرداخت. فقها در مواجهه با «الکل» به عنوان یک موضوع نوپدید، آن را به سه دسته اصلی تقسیم کرده و برای هر یک، حکمی متناسب با ماهیت و منشأ آن استنباط نموده‌اند: الککل متانول (صنعتی)، الککل اتانول تخمیری، و الککل اتانول سنتزی (صنعتی).

۲-۱. حکم الککل متانول (الکل چوب)

متانول یا الککل چوب، ماده‌ای بسیار سمی است که مصرف خوراکی آن حتی به مقدار اندک، منجر به عوارض شدیدی چون کوری و مرگ می‌شود (ویزرمِل و هانس-یورگن آرپه، ۱۳۸۳، صص ۲۴-۲۷ و ۱۹۳). این ماده به هیچ وجه قابلیت شرب و خاصیت سکرآوری متعارف را ندارد، بلکه یک سمّ قوی محسوب می‌شود. از این رو، حرمت مصرف آن قطعی است، اما این حرمت نه از باب «مسکر» بودن، بلکه از باب قاعده «حرمت اضرار به نفس» (حرام بودن آسیب رساندن به خود) است.

به دلیل سمی بودن و عدم صدق عنوان «مایع مسکر بالاصاله» بر آن، متانول از نظر فقهی نجس محسوب نمی‌شود و تماس با آن یا استفاده از آن در ضدعفونی کردن و مصارف صنعتی، بالاتفاق پاک و بلا مانع است.

۲-۲. حکم الکحل اتانول (طبی و صنعتی): نزاع بر سر استحاله و اسکار

بحث اصلی فقهی بر سر الکحل اتانول است که هم در پزشکی و هم در صنایع به کار می‌رود و ماده مؤثر در نوشیدنی‌های الکلی نیز همین نوع الکحل است. این الکحل به دو روش اصلی تولید می‌شود: الکحل تخمیری: این نوع الکحل از طریق تقطیر مایعات مست‌کننده‌ای مانند شراب (خمر) به دست می‌آید (شیخ، ۱۳۳۵، ج ۱، ص ۱۲۷).

الکحل سنتزی (صنعتی): این نوع الکحل از طریق فرآیندهای شیمیایی بر روی مشتقات نفتی مانند گاز اتان تولید می‌شود و هیچ ارتباطی با منابع گیاهی یا تخمیر ندارد (وحدتی شبیری، ۱۳۸۹ش، ص ۲۵). با توجه به این تفاوت در منشأ، حکم فقهی آن‌ها نیز متفاوت است.

الف) حکم الکحل تخمیری

در مورد الکلی که از تقطیر شراب به دست می‌آید، دو دیدگاه اصلی وجود دارد:

دیدگاه قائلین به نجاست: این گروه معتقدند که فرآیند تقطیر، ماهیت شراب را تغییر نمی‌دهد و الکحل حاصله، همان «جوهر» و جزء اصلی شراب است. از آنجایی که شراب نجس است، این الکحل نیز نجس باقی می‌ماند (آذربادگان، ۱۳۸۱، صص ۲۴۵-۲۴۶). به عبارت دیگر، تقطیر یک فرآیند فیزیکی (تبخیر و میعان) است و مصداق «استحاله» - یعنی تبدیل ماهیت یک شیء به شیء دیگر (مانند تبدیل چوب به خاکستر) - نیست.

دیدگاه قائلین به طهارت: در مقابل، گروهی از فقها معتقدند که فرآیند تقطیر، مصداق استحاله عرفی است. از نظر عرف، الکحل سفید و خالص ۹۶ درجه، ماده‌ای کاملاً متفاوت از شراب رنگین و کدر است. از آنجایی که «استحاله» یکی از مطهرات (پاک‌کننده‌ها) است، حتی اگر شراب اولیه نجس باشد، الکحل حاصل از تقطیر آن پاک است.

ب) حکم الکحل سنتزی (صنعتی و طبی)

در مورد الکلی که از منابع نفتی تولید می‌شود، اتفاق نظر بیشتری بر طهارت (پاکی) آن وجود دارد. حتی فقهای که الکحل تخمیری را نجس می‌دانند، این نوع الکحل را پاک می‌شمارند. دلایل این فتوا

عبارتند از:

عدم منشأ نجس: ماده اولیه این الک، گاز اتان است که پاک می‌باشد. بنابراین، محصول نهایی نیز پاک است.

عدم صدق عنوان خمر: این الک به هیچ وجه مصداق «خمر» نیست، زیرا از طریق تخمیر به دست نیامده است.

انصراف ادله: برخی فقها مانند آیت‌الله خویی معتقدند که ادله نجاست «مسکرات»، منصرف به مایعات مست‌کننده متعارف در زمان شارع است و شامل ترکیبات شیمیایی جدیدی مانند الک صنعتی که قابلیت شرب متعارف ندارند، نمی‌شود (خویی، ۱۴۱۸، ج ۳، ص ۸۶).

عدم صدق عنوان مسکر بالفعل: همانند الک تخمیری، این نوع الک نیز به دلیل غلظت بالا، بالفعل سکر‌آور نیست بلکه سمی است.

بنابراین، فتوای غالب و مشهور در میان فقهای معاصر امامیه آن است که الک طبی و صنعتی که از منابع غیر شراب تهیه شده باشد، پاک است (امام خمینی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۳۵۷؛ خویی، ۱۴۲۲، ص ۲۰؛ اراکی، ۱۳۷۱، ص ۲۳). آیت‌الله سیستانی نیز معتقدند الک صنعتی که از مواد نفتی یا فرآورده‌های شیمیایی غیرمست‌کننده تولید می‌شود، پاک و طاهر است و استفاده از آن در داروها و ضدعفونی‌کننده‌ها مجاز است.

۲-۳. قاعده اضطرار و جواز استفاده درمانی

حتی بر مبنای فقهایی که الک (چه تخمیری و چه غیر آن) را نجس و حرام می‌دانند، استفاده از آن در داروها تحت شرایط اضطرار مجاز می‌شود. قاعده فقهی «الضرورات تبيح المحظورات» (ضرورت‌ها، امور ممنوعه را مباح می‌سازند)، یکی از اصول بنیادین فقه اسلامی است. بر این اساس، اگر درمان یک بیماری، حفظ جان یا عضوی از بدن، منوط به استفاده از دارویی باشد که حاوی الک نجس یا حرام است و هیچ جایگزین پاک و حلالی برای آن وجود نداشته باشد، استفاده از آن دارو به قدر ضرورت جایز است (عمادی، ۱۴۰۳، ص ۱۲۱). این جواز شامل داروهای خوراکی، تزریقی و موضعی می‌شود. اگرچه در حدیثی آمده است که خداوند در حرام شفایی قرار نداده، اما فقها این حدیث را ناظر به شرایط عادی می‌دانند، نه شرایط اضطراری که حفظ جان در اولویت قرار می‌گیرد (حرّعاملی، ۱۴۱۲، ج ۲۱، ص ۳۵۰).

۴-۲. بررسی فقهی الکل در مذاهب چهارگانه اهل سنت

در فقه اهل سنت، با وجود اتفاق نظر بر حرمت مطلق شراب، در مورد حکم الکل صنعتی و سایر مایعات مست‌کننده، اختلافاتی میان مذاهب وجود دارد که ریشه در تفسیر واژه‌های قرآنی و حدیثی دارد. در تمامی این مذاهب، الکل به عنوان یک ماده مسکر و حرام شناخته می‌شود و همگی بر حرمت مصرف آن تأکید دارند. این اجماع فقهی، نشان‌دهنده اهمیت و جایگاه والای سلامت عمومی در نظام ارزشی اسلام است. در ادامه دیدگاه هر یک از مذاهب به تفصیل بررسی می‌شود.

۱۱۹

۱-۴-۲. مذهب حنبلی

پژشنامه ادیان

مذهب حنبلی که به سخت‌گیری در استناد به نصوص (قرآن و سنت) شناخته می‌شود، معتقد است که هر نوع الکل و ماده مست‌کننده‌ای کاملاً حرام است و در این حکم، هیچ تفاوتی میان انواع مختلف نوشیدنی‌ها وجود ندارد.

مبانی فقهی و ادله: حکم حرمت در فقه حنبلی بر پایه قرآن و سنت استوار است. دلیل اصلی قرآنی، آیه ۹۰ سوره مائده است که «خمر» را «رجس» و از عمل شیطان معرفی می‌کند. در سنت نبوی نیز مهم‌ترین حدیث، روایت ابن عمر از پیامبر اسلام (ص) است که فرمودند: «كُلُّ مُسْكِرٍ خَمْرٌ، وَكُلُّ خَمْرٍ حَرَامٌ» (هر مست‌کننده‌ای خمر است و هر مست‌کننده‌ای حرام است). این حدیث اساس حکم حرام بودن الکل در فقه حنبلی است.

علت تحریم و حکم نجاست: علت تحریم در فقه حنبلی، تأثیر منفی الکل بر عقل و فریبکاری ناشی از آن است که می‌تواند به فساد و ارتکاب گناهان بزرگ منجر شود. از دیدگاه فقه‌های حنبلی، الکل نه تنها حرام است، بلکه نجس نیز به شمار می‌آید و هر مایعی که از فرآیند تخمیر یا تقطیر به‌دست آید و مست‌کننده باشد، نجس و حرام است (ابن قدامه، ۱۳۸۸ هـ ج ۹، ص ۱۶۰).

استفاده در مقاصد غیرخوراکی: در فقه حنبلی، استفاده از الکل برای مقاصد غیرخوراکی نیز دیدگاهی سختگیرانه دارد. استفاده از آن در داروها و مقاصد پزشکی تنها در صورتی مجاز است که برای درمان، ضروری باشد و هیچ جایگزین دیگری برای آن وجود نداشته باشد و مقدار مصرف آن نیز باید به اندازه لازم محدود شود (محمود ادریس، ۱۴۱۴ م، صص ۸-۱۰).

۲-۴-۲. مذهب شافعی

در فقه شافعی نیز الکل‌ها به طور کلی در دسته مواد مسکر و مضر قرار می‌گیرند و هر چیزی که سبب مستی یا اختلال در عقل انسان شود، حرام است.

مبانی فقهی و ادله تحریم: فقهای شافعی حکم تحریم را بر اساس نصوص قطعی قرآن و احادیث بنا نهاده‌اند. آیات ۲۱۹ سوره بقره و ۹۰ سوره مائده از دلایل اصلی قرآنی هستند. در سنت نبوی نیز احادیث به طور قاطع بر حرمت تمامی مسکرات دلالت دارند. امام نووی در کتاب «المجموع» تصریح می‌کند: «شرب مسکرات و هر چیزی که انسان را مست کند، حرام است و کسی که آن را بنوشد، به شدت مجازات می‌شود» (النووی، ۱۴۱۷هـ.ق، ج ۲، ص ۵۲۰).

حکم نجاست و علت تحریم: در مذهب شافعی، الکل‌ها به عنوان ماده‌ای که از فرآیند تخمیر به دست می‌آید، نجس محسوب می‌شوند و هر چیزی که مست‌کننده باشد، نجس و حرام است. علت اصلی تحریم، ویژگی مستی‌آور بودن الکل و تأثیرات منفی آن بر عقل انسان است.

استفاده در مقاصد غیر خوراکی: در فقه شافعی، مصرف الکل نه تنها برای نوشیدن، بلکه برای استفاده در هر زمینه‌ای که سبب مستی یا آسیب به جسم و روح انسان شود، ممنوع است. بنابراین، الکل در داروها و محصولات آرایشی نیز اگر به مقدار مسکر باشد، حرام است.

۲-۴-۳. مذهب حنفی

مذهب حنفی رویکردی متفاوت در تعریف اصطلاحات دارد، اما در حکم نهایی با سایر مذاهب یکسان است. فقهای حنفی، لفظ «خمر» را به نوشیدنی‌هایی که به طور خاص از انگور به دست می‌آید، محدود می‌کنند. با این حال، آن‌ها سایر نوشیدنی‌های مست‌کننده مانند «نبیذ» را نیز حرام می‌دانند.

مبانی فقهی و رویکرد ابوحنیفه: با وجود تفکیک اصطلاحی، فقه حنفی بر حرمت هر نوع ماده مست‌کننده تأکید دارد. این حکم بر اساس آیات ۹۰ و ۹۱ سوره مائده و احادیث نبوی مانند «هر چیزی که مست کند، خمر است و هر خمر حرام است» استوار است (مسلم، ج ۳، ص ۱۵۸۷، حدیث ۲۰۰۳).

حکم حرمت و دلایل آن: هدف اصلی در فقه حنفی، جلوگیری از مستی است. جصاص معتقد است که سایر مشروبات مست‌کننده نیز حرام هستند، زیرا علت تحریم (یعنی مستی‌آور بودن) در

آن‌ها وجود دارد (الجنصاص، ۱۹۹۵م، ج ۱، ص ۳۹۳). بر اساس این دیدگاه، هر نوع الکل و نوشیدنی مست‌کننده حرام است.

استفاده در مقاصد غیر خوراکی: در مورد استفاده از الکل برای مقاصد غیر خوراکی، فقه حنفی رویکردی مبتنی بر ضرورت دارد. استفاده از الکل در داروها تنها در شرایطی که ضروری باشد، مجاز است. این حکم بر اساس قاعده فقهی «الضرورات تبیح المحظورات» (ضرورت‌ها محرمات را مباح می‌کنند) استوار است و میزان مصرف باید به حداقل ممکن برسد (ابن عابدین، ۱۴۱۲هـ ج ۴، ص ۳۹۷).

۱۲۱

پژوهشنامه ادیان

۴-۲. مذهب مالکی

در مذهب مالکی، حکم تحریم الکل و مشروبات مست‌کننده بسیار قاطع است. مالکی‌ها الکل را به عنوان یک ماده مسکر می‌شناسند و مصرف آن را به طور مطلق حرام می‌دانند و هیچ تفاوتی میان نوشیدنی‌های سنتی و مواد مست‌کننده صنعتی قائل نیستند.

مبانی فقهی و ادله تحریم: حکم حرمت در فقه مالکی بر اساس نصوص قطعی قرآن و سنت است. آیه ۹۰ سوره مائده دلیل اصلی قرآنی است و در سنت نبوی نیز حدیث مشهور «ما أَسْكَرَ كَثِيرُهُ فَقَلِيلُهُ حَرَامٌ» (هر چیزی که زیادش مست‌کننده باشد، کم آن نیز حرام است) مبین رویکرد سخت‌گیرانه این مذهب است.

حکم نجاست و علت تحریم: در فقه مالکی، هر ماده‌ای که مست‌کننده باشد، نجس نیز به شمار می‌رود. علت اصلی تحریم، ویژگی مستی‌آور بودن الکل و تأثیرات منفی آن بر عقل انسان است و حتی مقدار کمی از یک ماده مست‌کننده نیز حرام است (ابن قدامه، بی‌تا، ج ۹، ص ۱۶۰).

تولید، فروش و استفاده‌های غیر خوراکی: در مذهب مالکی، علاوه بر حرمت مصرف، تولید و فروش الکل نیز حرام است. استفاده از آن برای مقاصد غیر خوراکی مانند داروها بر اساس اصول «ضرورت» و «اضطرار» به صورت مشروط مجاز است، به شرطی که به مستی منجر نشود و جایگزین حلالی وجود نداشته باشد (القیروانی، ۱۹۹۵م، ج ۲، ص ۳۴۰).

۳. الکل در هلاخای یهودی؛ تقدیس شراب، تحریم مستی

رویکرد دین یهودیت به الکل، در مقایسه با اسلام، بسیار متفاوت و پیچیده‌تر است. در حالی که

اسلام مسیر «تحریم مطلق» (Prohibition) را برگزیده، یهودیت راه «تقدیس، تحدید و مدیریت» (Ritualization and Regulation) را انتخاب کرده است.

این رویکردِ دوگانه ی تقدیس و تحدید، در سیر تاریخیِ هلاخا از «شراب آیینی» به «الکل مدرن» نیز استمرار دارد. فقیهانِ یهودی از قرون میانه تا روزگار معاصر، با حفظ قداسِ شراب در مناسک، حکم آن را به فرآورده‌های درمانیِ حاوی الکل تعمیم نداده‌اند؛ زیرا ماهیت و نیتِ مصرف در این موارد دگرگون است. در آثار راسنر (8-7، 4: 1990) این نکته به‌روشنی آمده است که الکلِ دارویی و صنعتی، به‌سبب نبود قصد لذت و کاربرد درمانی، از موضوع شرابِ محرم جدا می‌شود. بدین ترتیب، تحریم مستی در جای خود باقی است، ولی استفاده ی درمانی از مواد حاوی الکل، ذیل اصل «پیکواخ نفش» (حفظ جان) و با نیتِ درمان، مجاز شمرده می‌شود (Jakobovits, 1975; Rosner: 1990: 4, 7-8).

در این نظام فکری، شراب (به عبری: «7»، یابین) ذاتاً پلید نیست، بلکه جایگاهی دوگانه دارد: از یک سو، نماد برکت و شادی الهی است و در مرکز آیین‌های عبادی قرار دارد، و از سوی دیگر، افراط در مصرف آن و حالت «مستی» (به عبری: شیکرون) به شدت مذمت و تقیح شده است.

۱-۳. شراب به مثابه نماد برکت و تقدس

شراب در یهودیت صرفاً یک نوشیدنی نیست، بلکه عنصری محوری در بسیاری از مناسک و اعیاد دینی است. مراسم کیدوش (Kiddush): در شامگاه جمعه که آغاز شبات (روز مقدس شنبه) است، و همچنین در سایر اعیاد، خانواده‌های یهودی مراسمی به نام «کیدوش» به معنای «تقدیس» برگزار می‌کنند. در این مراسم، سرپرست خانواده بر جامی از شراب، دعای برکت می‌خواند و با این کار، تقدس روز را اعلام می‌دارد (فرزین، ۱۳۸۵، صص ۲۵۹-۲۶۳). عید پسخ (Passover): در شام عید پسخ که یادآور خروج بنی‌اسرائیل از بردگی مصر است، نوشیدن چهار جام شراب بر هر یهودی واجب است. هر یک از این جام‌ها نمادی از یکی از وعده‌های الهی برای رهایی است.

نماد شادی و نعمت: در متون مقدس یهودی، به کرات از شراب به عنوان نمادی از شادی و فراوانی یاد شده است. در کتاب مزامیر آمده است که خداوند «شراب را برای شادی دل انسان» آفریده است (تورات، مزامیر، ۱۰۴: ۱۵).

۲-۳. تحریم شدید مستی (شیکرون)

همزمان با تقدیس شراب در چارچوب آیینی، متون مقدس یهودی با قاطعیت تمام، حالت «مستی» را محکوم کرده و آن را منشأ فساد، گناه و زوال عقل دانسته‌اند.

هشدارهای کتب حکمت: کتاب امثال سلیمان مملو از هشدارهایی تکان‌دهنده درباره عواقب میگساری است: «شراب، استهزاکننده و مسکرات، عربده‌جو است و هر که به آن فریفته شود، حکیم نیست» (تورات، امثال، ۲۰: ۱).

داستان‌های عبرت‌آموز: تورات داستان‌های متعددی را به عنوان نمونه‌های عبرت‌آموز از نتایج ویرانگر مستی نقل می‌کند. داستان مستی نوح و برهنه شدن او و همچنین داستان لوط به عنوان هشدارهایی جدی علیه از دست دادن کنترل عقل به کار رفته‌اند (سهب، ۲۰۱۱، صص ۴۷، ۵۰-۵۱). بر پایه تحلیل ربی یعقوب‌ویتس، اصل «پیکواخ نفش» نه تنها یک مجوز اضطراری، بلکه قاعده‌ای بنیادین در اخلاق پزشکی یهود است که در همه موارد خطر جانی، تعلیق موقت احکام شریعت را توجیه می‌کند. این اصل، همان‌گونه که راسنر نیز در کتاب "پزشکی و اخلاق یهودی" (۱۹۹۰: ۸۵) (۹۰- توضیح داده، مهم‌ترین مبنای فقهی برای جواز استفاده از ترکیبات الکلی در درمان محسوب می‌شود، زیرا حفظ جان انسان بر سایر احکام مقدم است (Jakobovits, 1975: 103, 253).

۳-۳. حرمت مصرف الکل در شرایط خاص

هلاخای یهودی در دو مورد مشخص، مصرف هرگونه فرآورده انگور، از جمله شراب و مسکرات را به طور کامل حرام کرده است:

کاهنان در حین خدمت: بر اساس کتاب لاویان، کاهنان (کوهنیم) هنگام ورود به خیمه اجتماع یا معبد برای انجام وظایف عبادی، مطلقاً از نوشیدن شراب و مسکرات منع شده‌اند. مجازات تخطی از این قانون، مرگ بود: «شراب و مسکری منوشید، مبدا بمیرید. این است فریضه ابدی در نسل‌های شما» (تورات، لاویان، ۱۰: ۹).

نذیره‌ها (نذر نازر): فردی که نذر می‌کرد تا برای مدتی خود را وقف خدمت به خداوند کند (نذیره)، موظف بود از هرگونه محصول انگور، اعم از شراب، سرکه، آب انگور و حتی انگور تازه و خشک پرهیز کند (تورات، اعداد، ۶: ۳-۴).

۴. حکم الکحل در مسائل پزشکی در هلاخای یهودی

هلاخا (شریعت یهود) در حوزه پزشکی بر اساس چند اصل بنیادین عمل می‌کند که مهم‌ترین آن‌ها «پیکواخ نفش» (حفظ جان) و تمایز میان مصرف خوراکی و غیرخوراکی است.

۴-۱. اصل بنیادین «پیکواخ نفش» (Pikuach Nefesh)

اصل «پیکواخ نفش» به معنای «حفظ جان»، یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین اصول در شریعت یهود است. بر اساس این اصل، وظیفه حفظ جان انسان تقریباً بر تمام احکام دیگر تورات، از جمله رعایت شبات و قوانین کشتروت (غذای حلال)، اولویت دارد (تلمود بابلی، یوما ۸۵a). این اصل از آیه «آن‌ها را به جا آورید تا انسان به واسطه آن‌ها زنده شود» (تورات، لاویان، ۱۸: ۵) استنباط می‌شود، که حکما آن را چنین تفسیر کرده‌اند: «تا به واسطه آن‌ها زنده شود، نه اینکه به واسطه آن‌ها بمیرد». جواز استفاده از داروهای غیرکاشر: اگر جان یک بیمار در خطر باشد (ولو با اندکی شک) یا اگر فردی دچار بیماری جدی است که می‌تواند به خطر جانی منجر شود، استفاده از هر دارویی، حتی اگر حاوی مواد غیرکاشر (حرام) مانند الکحل باشد، نه تنها مجاز، بلکه واجب است. بیماری‌های غیرخطرناک: برای بیمارانی که جان‌شان در خطر نیست اما از درد و ناراحتی رنج می‌برند، حکم کمی متفاوت است. اگر داروی جایگزین کاشر با اثربخشی مشابه به راحتی در دسترس باشد، باید از آن استفاده کرد. اما اگر جایگزینی وجود نداشته باشد یا اثربخشی داروی غیرکاشر به مراتب بیشتر باشد، اکثر فقهای معاصر (Poskim) اجازه استفاده از داروی حاوی الکحل یا سایر مواد غیرکاشر را می‌دهند (ربی موشه فاینشتاین، ایگر ۲۱۱ ۱۷۲۵، یوره دلا ۵۸: ۲).

۴-۲. تمایز میان انواع مصرف و انواع الکحل

هلاخا میان روش‌های مختلف استفاده از الکحل و همچنین انواع مختلف آن تمایز قائل می‌شود: مصرف خوراکی در مقابل غیرخوراکی: قوانین کشتروت اصولاً به مواردی اطلاق می‌شود که به صورت خوراکی (Derekh Achila) مصرف می‌شوند. بنابراین، استفاده از الکحل به صورت موضعی، مانند ضدعفونی کردن زخم یا استفاده از ژل‌های ضدعفونی‌کننده دست، به هیچ وجه مشمول قوانین کشتروت نمی‌شود و کاملاً مجاز است.

الکحل غیرقابل شرب (Denatured Alcohol): الکحل‌هایی که به آن‌ها مواد افزودنی تلخ‌کننده یا سمی

اضافه شده تا غیر قابل شرب شوند (الکل دنا توره)، از نظر هلاخا «نفسال مآخيلات کیلو» (Nifsal me'achilat kelev) محسوب می‌شوند، یعنی «حتی برای سگ نیز قابل خوردن نیستند». بنابراین، استفاده از چنین الکل‌هایی در داروها، حتی به صورت خوراکی، از نظر بسیاری از مراجع فقهی بلامانع است.

مقدار مصرف (Batel b'Shishim): در قوانین کثروت، اصلی به نام «بتول بشیشیم» (Batul b'Shishim) وجود دارد که به معنای «باطل شدن در شصت برابر» است. بر اساس این اصل، اگر مقدار بسیار کمی از یک ماده غیر کاشر (کمتر از ۶۰/۱) با یک ماده کاشر مخلوط شود، به طوری که طعم آن دیگر قابل تشخیص نباشد، کل مخلوط کاشر محسوب می‌شود.

۳-۴. محدودیت‌های خاص: شراب غیر کاشر و عید پسخ

دو مورد خاص وجود دارد که قوانین سخت گیرانه تری در مورد آن‌ها اعمال می‌شود:

یابین نسخ (Yayin Nesech): شراب یا آب انگوری که توسط غیر یهودیان تهیه شده یا حتی توسط آن‌ها لمس شود، به دلیل نگرانی از استفاده آن در آیین‌های بت پرستی، «یابین نسخ» نامیده شده و نوشیدن آن اکیداً حرام است.

عید پسخ: در طول هشت روز عید پسخ، مصرف هر گونه «خامتص» (Chametz) - یعنی هر یک از پنج غله اصلی که ور آمده باشد - مطلقاً حرام است. از آنجایی که بسیاری از الکل‌های صنعتی و طبی از غلات تهیه می‌شوند و قوانین مربوط به خامتص بسیار سخت گیرانه است، یهودیان در ایام پسخ باید از مصرف داروهای حاوی الکل مشتق از غلات پرهیز کنند، مگر در شرایط «پیکواخ نفش».

۴-۴. تفکیک مکاتب فقهی یهود: رویکرد ارتدوکس و محافظه کار

علی‌رغم وحدت نظر در اصل بنیادین پیکواخ نفش (وجوب نجات جان انسان)، مکاتب یهودی در تعیین دامنه جواز استفاده از الکل در داروها، به‌ویژه برای بیماران غیر اضطراری (choleh she'ein bo sakanah) اختلاف نظر دارند.

الف. دیدگاه ارتدوکس (سخت گیر و نص گرا)

این مکتب با تکیه بر تفاسیر سنتی هلاخا و مفاد تلمودی، بر لزوم رعایت دقیق احکام «کثروت» (Kashrut) حتی در موارد درمانی غیر حیاتی تأکید می‌کند. ری موشه فاینشتاین در Igrot Moshe

(Yoreh De'ah II: 58) تصریح می‌کند که اگر داروی کاشر در دسترس باشد، استفاده از داروی غیر کاشر—even در صورت بی‌ضرر بودن—جایز نیست و تنها زمانی مجاز است که هیچ جایگزینی وجود نداشته باشد (Feinstein, 1996, Yoreh De'ah II: 58, 282-284). این نظر نشان‌دهنده رویکرد محتاطانه ارتدوکس نسبت به هر نوع تماس با مواد غیر کاشر است. همچنین مؤسسه نظارتی Orthodox Union (OU) در راهنمای رسمی خود تأکید می‌کند که مکلف در شرایط عادی باید از جایگزین کاشر استفاده کند و تنها در حالت اضطرار مجاز به مصرف داروهای دارای الکل یا ژلاتین غیر کاشر است (**Orthodox Union, 2023).

ب. دیدگاه محافظه‌کار (میان‌رو و انعطاف‌پذیر)

شورای قانون‌گذاری یهود محافظه‌کار (Committee on Jewish Law and Standards – CJLS) در فتوای ربی افرام رویزنر در سال ۱۹۹۱ میلادی بیان می‌کند که داروها عموماً «خوراکی» به معنای شرعی محسوب نمی‌شوند، زیرا هدف از مصرف آن‌ها کسب لذت نیست، بلکه درمان است. بنابراین، اگر دارو از طریق بلع یا تزریق مصرف شود (she'lo k'derekh akhilah)، مشمول احکام کشتور نمی‌شود و نیاز به جایگزین کاشر ندارد (Reisner, 1991: 3-6). ربی دیوید گولینکین نیز در پاسخ فقهی خود تأکید می‌کند که از آن‌جا که ترکیبات دارویی معمولاً بی‌مزه یا ناخوشایندند و هدف از آن‌ها درمان است، استفاده از آن‌ها حتی در حالت غیر اضطراری نیز جایز است (Golinkin, 1993: 2-5).

ج. دیدگاه اخلاقی مکتب اصلاح‌طلب و پیوند تفسیری آن با پزشکی نوین

ربی الیوت دورف در اثر خود با عنوان "Matters of Life and Death" (1998) با تفسیر فلسفی مفهوم نیت (Kavanah) معتقد است که حکم اخلاقی هر عمل در چارچوب نیت درمانی آن تعریف می‌شود. از نگاه او، وجوب حفظ جان بر همه احکام آیینی مقدم است و این تقدم اخلاقی معیار مشترک فقه یهودی و اخلاق پزشکی یهودی است (Dorff, 1998: 75-79, 142-147). در نتیجه، تفاوت اصلی میان مکاتب ارتدوکس و محافظه‌کار نه در اصول دینی، بلکه در میزان اتکایشان به نیت درمانی و تفسیر مقاصد شریعت (Ta'amei ha-Mitzvot) است. این تنوع رویکردها

ظرفیت بالای هلاخا را برای سازگاری با واقعیت‌های نوین پزشکی نشان می‌دهد، بی‌آنکه از چهارچوب قدسی خود خارج شود

۵. چالش‌های نوین و راهکارهای فقهی

با پیشرفت‌های شگفت‌انگیز در علوم پزشکی و صنایع، کاربردهای الکل از شکل سنتی خود فراتر رفته و چالش‌های پیچیده‌تری را پیش روی فقها قرار داده است.

۱-۵. چالش‌های فقهی - پزشکی در استفاده از الکل

تشخیص نوع الکل و منشأ آن: در حال حاضر، الکل موجود در بسیاری از محصولات دارویی و صنعتی، از طریق فرآیندهای شیمیایی و از مواد غیرطبیعی مانند نفت تولید می‌شود (الکل سنتزی). از آنجا که مصرف‌کنندگان عادی قادر به تشخیص منشأ الکل نیستند، مسئولیت بزرگی بر عهده فقها، پزشکان و داروسازان قرار می‌گیرد.

تعیین میزان مستی آوری (استهلاک): یکی از پیچیده‌ترین مسائل، تعیین حد مستی آوری است. در فقه اسلامی، قاعده‌ای کلیدی وجود دارد که «ما أسکر کثیره فقلیله حرام» (هر آنچه مقدار زیادش مست‌کننده باشد، مقدار کمش نیز حرام است). در مورد داروها که حاوی مقادیر بسیار ناچیزی الکل هستند، اصل استهلاک مطرح می‌شود؛ به این معنا که آیا الکل در مایع دارو به حدی حل و رقیق شده که خاصیت خود را از دست داده است؟ این موضوع، بحث‌های گسترده‌ای را در میان فقها به دنبال داشته است (شهید صدر، ۱۳۶۸).

موضوع استحاله (تغییر ماهیت): استحاله به معنای تغییر کامل ماهیت یک شیء است. اگر الکل موجود در یک دارو به قدری اندک باشد که خاصیت اولیه خود را از دست داده و به ماده‌ای جدید تبدیل شده باشد، حکم نجاست و حرمت آن برداشته می‌شود. بسیاری از فقهای معاصر، از جمله آیت‌الله سیستانی، معتقدند که با وقوع استحاله، شیء نجس به شیء پاک تبدیل می‌شود (منهاج الصالحین، ۱۴۱۷ق).

۲-۵. راهکارهای فقهی در پاسخ به چالش‌ها

فقها برای حل این چالش‌ها، از اصول و قواعد فقهی متعددی استفاده کرده‌اند:

قاعده اضطرار و ضرورت: این قاعده یکی از مهم‌ترین راه‌حل‌هاست و در هر دو فقه اسلامی (الضرورات تبیح المحظورات) و هلاخای یهودی (Pikuach Nefesh) کاربرد دارد.

در هلاخای یهودی نیز اصل پیکواخ نفش، همانند قاعده اضطرار در فقه اسلامی، اجازه می‌دهد در صورت تهدید حیات از کاربرد درمانی مواد ممنوعه بهره گرفته شود. در همین راستا، یعقوب‌ویس با بررسی تاریخی احکام آیینی شراب نشان می‌دهد که استفاد درمانی از آن در چنین شرایطی از دایره حرمت آیینی مستثنا می‌شود (Jakobovits, 1975: 57-89, 190).

نقش عرف پزشکی: در بسیاری از موارد، تشخیص ماهیت، مقدار و تأثیر یک ماده به متخصصان آن حوزه واگذار می‌شود. فقها به نظر پزشکان معتبر در تعیین اینکه آیا دارویی جایگزین برای یک داروی حاوی الکل وجود دارد یا خیر، احترام می‌گذارند و آن را ملاک تصمیم‌گیری شرعی قرار می‌دهند.

قاعده اصالت الطهاره: این قاعده در فقه شیعه بسیار کاربرد دارد و بر اساس آن، هر چیزی که در مورد پاکی یا نجاست آن تردید وجود داشته باشد، پاک محسوب می‌شود. از این قاعده برای پاک دانستن الکل صنعتی و در نتیجه، جواز استفاده از آن، استفاده می‌شود.

۶. تحلیل تطبیقی و نتیجه‌گیری نهایی

تحلیل رویکردهای فقه اسلامی و هلاخای یهودی نسبت به الکل، تصویری از دو نظام حقوقی-دینی را آشکار می‌سازد که با وجود ریشه‌های مشترک ابراهیمی و هدف غایی یکسان (حفظ سلامت عقل، روح و جسم)، به نتایج و چارچوب‌های عملی متفاوتی دست یافته‌اند.

۱-۶. وجوه اشتراک و تمایز

وجه اشتراک بنیادین: تقبیح مستی و ارزش‌گذاری بر عقل مهم‌ترین و اساسی‌ترین نقطه اشتراک میان اسلام و یهودیت، ارزش‌گذاری بر عقل و هوشیاری و تقبیح شدید حالت مستی است. هر دو دین، زوال عقل بر اثر مصرف مواد سکرآور را دروازه‌ای به سوی گناه، فساد اخلاقی، بی‌بندوباری و فروپاشی اجتماعی می‌دانند. در اسلام، خمر «آل الفواحش» (مادر پلیدی‌ها) (الشعیری، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۵۱) و در یهودیت، «استهزاکنده و عربده‌جو» (تورات، امثال، ۲۰: ۱) توصیف شده است.

وجه تمایز اصلی: راهبرد تحریم مطلق در مقابل مدیریت آیینی

تفاوت بنیادین میان دو دین، در راهبردی است که برای رسیدن به هدف مشترک فوق اتخاذ کرده‌اند: اسلام (راهبرد تحریم مطلق - Prohibition): شریعت اسلام با اتخاذ رویکردی پیشگیرانه و قاطع، هرگونه مسیری را که به مستی ختم شود، مسدود کرده است. بر اساس قاعده «كُلُّ مُسْكِرٍ حَرَامٌ» (محدث نوری، ج ۱۷، ص ۶۱) و اصل «ما أَسْكَرَ كَثِيرُهُ فَقَلِيلُهُ حَرَامٌ»، مصرف هر مقدار از ماده سکرآور، حتی اگر به مستی بالفعل منجر نشود، حرام است. اسلام هیچ جایگاه آیینی یا عبادی برای الککل قائل نیست و آن را ذاتاً «رجس» (پلیدی) و عملی شیطانی می‌داند (مانده: ۹۰).

یهودیت (راهبرد مدیریت آیینی - Ritualization): در مقابل، هلاخای یهودی، شراب را ذاتاً پلید نمی‌داند، بلکه سوءمصرف آن را مذموم می‌شمارد. یهودیت با وارد کردن شراب به قلب مناسک دینی (مانند کیدوش و پسح)، آن را تقدیس کرده و کارکردی مثبت و معنوی برای آن تعریف می‌کند (فرزین، ۱۳۸۵، صص ۲۵۹-۲۶۳). همزمان، با هشدارهای اخلاقی شدید علیه «مستی» و وضع محدودیت‌های قاطع، تلاش می‌کند تا این ماده را در چارچوبی مقدس و کنترل‌شده مهار کند.

۲-۶. تفاوت در مفهوم نجاست و پیامدهای آن در پزشکی

یکی دیگر از تمایزات کلیدی که مستقیماً بر کاربردهای پزشکی تأثیر می‌گذارد، مفهوم «نجاست» است: در فقه اسلامی (نزد جمهور فقها)، الککل (به عنوان مصداق خمر) نجس است. این حکم به معنای ناپاکی عینی و مادی است و هرگونه تماس با آن مستلزم تطهیر است (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۷۸).

در هلاخای یهودی، مفهوم «نجاست عینی» الککل به این شکل وجود ندارد. محدودیت‌ها بر مبنای قوانین «کشروت» (حلیت)، حفظ قداست در عبادت و پرهیز از مستی استوار است، نه ناپاکی ذاتی ماده. این عدم وجود مفهوم نجاست، راه را برای جواز استفاده‌های غیرخوراکی (مانند ضد عفونی) به سادگی هموار می‌کند.

۳-۶. مقایسه در کاربردهای پزشکی: اضطراب اسلامی در مقابل پیکواخ نشی یهودی

با وجود تفاوت‌های فوق، هر دو دین در حوزه پزشکی به نتایج عملی نسبتاً مشابهی می‌رسند، البته با مبانی متفاوت:

در اسلام، راهگشای اصلی، قاعده «اضطرار» است. حتی اگر الککل حرام و نجس باشد، در شرایطی

که حفظ جان منوط به مصرف داروی حاوی الکل باشد و جایگزین حلالی وجود نداشته باشد، استفاده از آن به قدر ضرورت جایز می‌شود (عمادی، ۱۴۰۳، ص ۱۲۱). اسلام از یک موضع سخت‌گیرانه (حرمت و نجاست) آغاز می‌کند و تنها از طریق دروازه «اضطرار» به جواز پزشکی می‌رسد.

در یهودیت، اصل «پیکواخ نفش» (حفظ جان) حاکم است. این اصل نه تنها استفاده از داروی حاوی الکل را در شرایط خطر جانی مجاز، بلکه واجب می‌داند. یهودیت از یک موضع منعطف‌تر (عدم حرمت ذاتی) آغاز می‌کند و با تکیه بر اولویت مطلق «حفظ جان»، به گستره وسیع‌تری از جواز پزشکی دست می‌یابد.

۷. نتیجه‌گیری نهایی

پژوهش حاضر نشان داد که اسلام و یهودیت، هر دو با دغدغه حفظ عقل و اخلاق، به مسئله الکل پرداخته‌اند. اسلام با نگاهی مطلق‌گرا و با هدف ریشه‌کن کردن کامل پدیده مستی، راهبرد تحریم جامع را در پیش گرفته است. این رویکرد، اگرچه در حوزه پزشکی چالش‌هایی فقهی ایجاد می‌کند، اما با تکیه بر قاعده «اضطرار»، راه را برای درمان‌های ضروری باز می‌گذارد. در سوی دیگر، یهودیت با نگاهی مدیریت‌شده، راهبرد مهار آیینی را برگزیده و ضمن تقدیس شراب در مناسک، با تمام قوا با پدیده مستی مبارزه می‌کند. این رویکرد، با تکیه بر اصل بنیادین «پیکواخ نفش»، انعطاف‌پذیری قابل توجهی در مواجهه با نیازهای پزشکی مدرن از خود نشان می‌دهد. فهم این اشتراکات و تمایزات، نه تنها به درک عمیق‌تر حکمت احکام در هر دین کمک می‌کند، بلکه می‌تواند زمینه را برای گفت‌وگوهای سازنده بین‌الادیانی و همچنین ارائه راهنمایی‌های کاربردی‌تر به پزشکان و بیماران متدین در جوامع امروزی فراهم آورد.

۸. پیشنهادات برای تحقیقات آینده

این پژوهش، زمینه را برای تحقیقات آینده در حوزه‌های زیر فراهم می‌کند:

الف: بررسی تطبیقی حکم الکل در فقه اسلامی و سایر ادیان مانند مسیحیت و آیین زرتشت.

ب: بررسی دقیق‌تر جایگاه و تأثیر قاعده‌هایی مانند استحاله و اصالت الطهاره در فقه معاصر.

ج: تحلیل پیامدهای فقهی استفاده از الکل در صنایع غذایی و محصولات آرایشی و بهداشتی.

فهرست منابع

الف: کتاب‌ها

قرآن کریم

تلمود

کتاب مقدس (تورات)

ابن بابویه صدوق، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، ۱۴۱۳ هـ ق، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم

ابن تیمیه الحرانی، تقی الدین أبوالعبّاس، مجموع الفتاوی، ۱۴۱۶ هـ ق، چاپ اول، المملكة العربیة السعودیة، مجمع الملك فهد للطباعة المصحف الشریف.

ابن سیده، علی بن اسماعیل، ۱۴۲۱ هـ ق، المحکم و المحيط الأعظم، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیه.

ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب. بی تا، بیروت، دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع.

یدریس، عبدالفتاح محمود، احکام العورة فی الفقه الاسلامی، ۱۳۷۲ هـ ش، بی جا، قاهره، انتشارات عبدالفتاح محمود ادريس.

اراکي، محمد علی، توضیح المسائل (فارسی)، ۱۳۷۱ هـ ش، بی جا، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

آقا پور مقدم، سید رضا، ۱۳۵۶، شناخت الكل از نگاه علمی و اجتماعی و اقتصادی، ج ۱، چ اول، تهران، مازیار.

بخاری، محمد بن اسماعیل. (۱۳۸۸ق). صحیح البخاری. بیروت: دارالمعرفة.

الجصاص، عبد السلام محمد علی، أحكام القرآن، ۱۴۱۵ هـ ق، چاپ اول، بیروت، دار الکتب العلمیه.

حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، ۱۴۰۹، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.

حلّی، علامه، حسن بن یوسف، مختلف الشیعة فی أحكام الشریعة، ۱۴۱۳ هـ ق، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

حلّی، محقق، نجم الدین جعفر بن حسن، المعبر فی شرح المختصر، ۱۴۰۷ هـ ق، چاپ اول، قم، مؤسسه سید الشهداء علیه السلام.

خمینی، روح الله، استفتاءات، ۱۳۹۲ هـ.ق، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
 خویی، توضیح المسائل، ۱۴۲۲ هـ.ق، بی‌جا، قم، مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی رحمه الله علیه.
 ----، موسوعة الإمام الخوئی، ۱۴۱۸ هـ.ق، ج ۳، چاپ اول، قم، مؤسسه احیاء آثار الإمام الخوئی
 رحمه الله علیه.

سلب، فائز علی، الخمر فی التاريخ و الأديان، ۲۰۱۱ م، چاپ اول، الإمارات العربیة المتحدة، دار
 الفرق.

سیستانی، سید علی، منهاج الصالحین، ۱۴۱۷ هـ.ق، چاپ پنجم، قم، انتشارات دفتر آیت الله سیستانی.
 شریف مرتضی موسوی، علی بن حسین، المسائل الناصریات، ۱۴۱۷ هـ.ق، چاپ اول، تهران، رابطه
 الثقافة و العلاقات الإسلامية.

شعیری، محمد بن محمد، جامع الأخبار، بی‌تا، چاپ اول، ج ۱، نجف، مکتبه حیدریه.
 شیخ، ابوالحسن، تمرینات و تجربیات شیمی آلی، ۱۳۳۵ هـ.ش، چاپ اول، تهران، دانشگاه تهران.
 صدر، دروس فی علم الأصول، ۱۴۱۸ هـ.ق، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه
 مدرسین حوزه علمیه قم.

صدر، محمد باقر، بحوث فی شرح عروة الوثقی، ۱۴۰۸، چاپ دوم، قم، مجمع الشهد آیه الله الصدر
 العلمی.

طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۸ هـ.ش، محمد باقر موسوی، چاپ یازدهم،
 قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۰۸ هـ.ق، چاپ دوم، بیروت، دارالمعرفة.
 طوسی، محمد بن الحسن، تهذیب الأحکام (تحقیق خراسان)، ۱۴۰۷ هـ.ق، چاپ چهارم، تهران، دار
 الكتب الإسلامية.

-----، المبسوط فی فقه الإمامیة، ۱۳۸۷ هـ.ق، چاپ سوم، تهران، المکتبه المرتضویة لإحياء الآثار
 الجعفریة.

عابدین، محمد امین بن عمر بن عبد العزیز، ردّ المحتار علی الدر المختار، ۱۴۱۲ هـ.ق، چاپ دوم،
 بیروت، دار الفکر.

فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب شرح الکبیر للرافعی، ۱۴۱۴ هـ.ق، چاپ دوم، قم،
 مؤسسه دارالهجرة.

مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴ هـ ش، چاپ سی و دوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ۱۴۰۸ هـ ق، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
وايزرمل، کلاس و آرپه، هانس یورگن، شیمی آلی صنعتی، ۱۳۸۵ هـ ش، چاپ اول، تهران، دانشگاه تهران.

وحدتی شیرری، سیدحسن، الكل و فرآورده‌های آن در فقه اسلامی، ۱۳۷۶ هـ ش، قم، موسسه بوستان کتاب.

ب: مقالات

آذربادگان، حسینعلی، بهار ۱۳۸۱، «بررسی علمی و فقهی الكل و فراورده های آن»، فصلنامه فقه، شماره ۳۱-۳۲، صص ۱۸۳-۲۶۱.

صبور اردوبادی، احمد، بررسی فرآورده های الكل از نظر فقه اسلامی، دی ۱۳۵۱، فصلنامه درس‌هایی از مکتب اسلام، سال سیزدهم، شماره ۱۲، صص ۳۶-۳۸.

فرومدی، علی اکبر، زمستان ۱۴۰۰، «بررسی شیوع مصرف الكل در ایران از منظر جامعه شناسی جنایی»، قانون یار، دوره پنجم، شماره ۲۰.

نورمحمدی، غلامرضا؛ و عمادی، عباس، بهار ۱۳۹۸، واکاوی ماهیت فقهی الكل و فراورده‌های الکلی، مجله مطالعات اسلامی در حوزه سلامت، دوره سوم، شماره اول، صص ۱۱-۲۲.

نورمحمدی، غلامرضا؛ و عمادی، عباس، تابستان ۱۳۹۹، «بررسی فقهی مقدار مجاز استفاده از الكل در فراورده های خوراکی»، نشریه قرآن و طب، سال پنجم، شماره ۲ (پیاپی ۱۸)، صص ۵۹-۶۹.

ج: کتب انگلیسی

- Feinstein, M. (1996). Igrot Moshe (Responsa of Rabbi Moshe Feinstein). New York: Mesorah Publications.
Jakobovits, I. (1975). Jewish Medical Ethics: A Comparative and Historical Study of the Jewish Religious Attitude to Medicine and Its Practice. New York: Bloch Publishing Company.
Rosner, F. (1990). Modern Medicine and Jewish Ethics. New York: Yeshiva University Press.
Karo, Y. (1563/Reprint ed.). Shulchan Aruch (Code of Jewish Law).
Talmud Bavli (Babylonian Talmud). (Vilna Edition 1880 – 1886).